

## نقش سرمایه انسانی در اثربخشی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصاد کشورهای حوزه خلیج فارس

ابراهیم نگهداری<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۵

### چکیده

سرمایه‌گذاری یکی از بخش‌های اساسی و غیر قابل تفکیک در اقتصاد هر کشور است که به دو صورت داخلی و خارجی ظاهر می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مستلزم ارتباط بلندمدت و نشان‌دهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر است. در این مطالعه به بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله ایران در سالهای ۲۰۱۱-۱۹۹۵ پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق افزایش سرمایه فیزیکی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی این کشورها داشته اما در مقابل بر سرمایه انسانی اثر منفی داشته است. به عبارت دیگر، با توجه به سطح پایین سرمایه انسانی در کشورهای حوزه خلیج فارس امکان انتقال تکنولوژی از طریق سرمایه‌گذاری خارجی وجود نداشته که این امر مانع افزایش بهره‌وری و نیز بهره‌مندی از سرریزهای تکنولوژی می‌شود، به طوری که عاملی بازدارنده در برابر رشد اقتصادی این کشورهاست.

طبقه‌بندی JEL: (I20, J40, O40)

واژگان کلیدی: سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد اقتصادی.

---

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس

Email: ebrahim.negahdari@gmail.com

مقدمه

بی‌تردید، لازمه رشد و توسعه اقتصادی و نخستین شرط ورود به میدان فعالیت اقتصادی در اختیار داشتن سرمایه است که به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی تلقی می‌شود. در واقع سرمایه‌گذاری یکی از بخش‌های اساسی و غیر قابل تفکیک اقتصاد است که به دو صورت داخلی و خارجی ظاهر می‌شود. در حال حاضر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی<sup>۱</sup> به یکی از عناصر عمده پیوند اقتصاد کشورها و به ویژه جوامع در حال توسعه با اقتصاد جهانی تبدیل شده است. همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان عاملی برای انتقال سرمایه، تکنولوژی، تخصص و مدیریت در جهت تقویت حضور این کشورها در اقتصاد و تجارت جهانی نقش بسزایی یافته است. این واقعیت موجب رقابت‌های اقتصادی برای بهره‌گیری از فرصت‌های موجود در جذب سرمایه‌گذاری خارجی به منظور ارتقای جایگاه کشورها در اقتصاد جهانی تشدید می‌شود (فیندلی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶؛ ساوادا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴).

تعاریف متعددی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارائه شده است. مثلاً صندوق بین‌المللی پول<sup>۴</sup> این گونه تعریف می‌کند: "سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یک نوع سرمایه‌گذاری است که به هدف کسب منافع پایدار در کشوری به جز موطن فرد سرمایه‌گذار انجام می‌شود و هدف سرمایه‌گذار آن است که در مدیریت بنگاه مربوط نقش مؤثر داشته باشد." (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳). به اعتقاد انکتاد<sup>۵</sup>، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مستلزم ارتباط بلندمدت و نشان‌دهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر است. بنابراین وجه تمایز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از انواع دیگر، لزوم نفوذ قابل توجه سرمایه‌گذار خارجی در مدیریت بنگاه است. در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه‌گذار با مشارکت داشتن در فرایند تصمیم‌گیری بنگاه به دنبال منافع است که در واقع، امکان کسب آنها در سرمایه‌گذاری پرتفوی خارجی وجود ندارد. فواید سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شامل جذب سرمایه، تکنولوژی، دانش روز، بالا بردن توانایی مدیریت، افزایش اشتغال، بهبود تراز پرداخت‌ها و افزایش قدرت رقابت است. البته ضعف مدیریت و سیاست‌های ناصحیح در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پیامدهای منفی از قبیل ایجاد ساختار بازار انحصاری در بلندمدت، انهدام صنایع با مقیاس تولید کوچک و نیز تشدید بیکاری را به همراه دارد (UNCTAD, 2001).

همچنین به سرمایه انسانی<sup>۶</sup> و اعتلای کیفیت نیروی کار به عنوان یکی از زمینه‌ها و راه‌های اصلی و اساسی افزایش بهره‌وری و تسریع رشد اقتصادی پرداخته شده است. می‌توان گفت در بررسی‌های اقتصادی سرمایه انسانی مفهومی کاملاً اقتصادی دارد. در واقع، خصوصیات کیفی انسان نوعی سرمایه است، زیرا می‌تواند باعث بهره‌وری، تولید، ایجاد درآمد و رفاه بیشتر شود. حال هر قدر کشوری از امکانات گسترده‌تری برای کاهش هزینه‌های تولید برخوردار بوده و سطح تکنولوژی بالاتری داشته باشد، جریان

- 
- |  |            |           |
|--|------------|-----------|
| 1. Foreign Direct Investment (FDI)                             | 2. Findlay | 3. Sawada |
| 4. International Monetary Found (IMF)                          |            |           |
| 5. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD) |            |           |
| 6. Human Capital   |            |           |

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آن کشور بیشتر خواهد بود. یکی از عوامل تأثیرگذار بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نیروی کار ماهر و توسعه منابع انسانی است که با پیچیده‌تر شدن فرآیند تولید کالاها و خدمات در جهان، وجود نیروی کار غیرماهر دیگر مزیت به‌شمار نمی‌رود، لذا کشورهایی در جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری موفق‌ترند که از نیروی کار آموزش‌دیده برخوردار باشند.

درواقع سرمایه انسانی مکمل سرمایه فیزیکی است و موجب می‌شود از سرمایه‌های فیزیکی به صورت مناسب‌تری بهره‌برداری شود. تجربه کشورهای پیشرفته و مطالعه در زمینه رشد اقتصادی کشورها طی زمان‌های مختلف نشان می‌دهد که توزیع نرخ رشد اقتصادی کشورها تنها از طریق عوامل مرسوم، مانند سرمایه و نیروی کار نتایج دقیقی به همراه نداشته و سرمایه انسانی به عنوان یک متغیر اصلی باید وارد مدل‌های رشد شود. رشد اقتصادی نه فقط به اندازه و میزان نیروی انسانی بلکه به کارایی آن نیز بستگی دارد. چنانچه نیروی کار از تحصیلات بیشتری برخوردار باشد، تحرک نیروی کار و نرخ اشتغال بیشتر خواهد شد؛ و همچنین هر قدر نیروی کار از آموزش بیشتر و مفیدتری بهره‌جوید، بهبود کیفیت نیروی کار در افزایش میزان تولید تأثیر بیشتری خواهد داشت (طیبی و دیگران، ۱۳۸۷).

بنابراین در مطالعه حاضر نقش دو متغیر مهم یعنی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که به‌عنوان منبعی برای ورود سرمایه فیزیکی به کشورها یکی از نهادهای تولید در اقتصاد به‌شمار می‌رود و اهمیت بسیاری در افزایش سرمایه‌گذاری کشورها در حال توسعه و نیل به رشد اقتصادی و رفاه بیشتر در این کشورها دارد و نیز سرمایه انسانی به‌عنوان متغیری که نقش مهمی در رشد اقتصادی کشورها دارد مطابق با مدل‌های رشد درون‌زا پرداخته خواهد شد. آنچه در این مطالعه مدنظر است، اثرگذاری جداگانه هر یک از این دو متغیر نیست بلکه هدف اصلی بررسی نقش سرمایه انسانی کشور میزبان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اثرگذاری FDI بر رشد اقتصادی است که نشان‌دهنده برخورداری یا عدم برخورداری کشور میزبان از سرریزهای دانش ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است.

## ۱. ادبیات و پیشینه تحقیق

شی<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) در مطالعه خود انگیزه‌های کشورهای صنعتی و اقتصادهای اخیراً صنعتی شده را بررسی کند که به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین پرداخته‌اند. او به این نتیجه رسیده که کشورهای صنعتی، تکنولوژی پیشرفته را در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مورد استفاده قرار می‌دهند، زیرا آنها می‌خواهند به بازارهای زیاد و بالقوه دسترسی پیدا کنند. اما از طرف مقابل کشورهای تازه صنعتی شده، تکنولوژی معمولی را در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مورد استفاده قرار می‌دهند، هدف آنها نیز استفاده از نهادهای کم‌هزینه مانند نیروی کار و زمین در کشور مقابل است تا از این طریق بتوانند کالاها را تولیدی خود را به کشورهای جهان سوم صادر کرده و از هزینه‌های فزاینده تولید در کشور خود بکاهند.

سالتر و فورد<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) به بررسی اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای ASEAN پرداختند و به این نتیجه رسیدند که نه تنها سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند به تحریک رشد اقتصادی این کشورها منجر شود، بلکه میزان اثرگذاری این متغیر بسیار مؤثرتر از اثرگذاری سرمایه‌های انسانی و عوامل تکنولوژیک است.

سیکونی و پاپیانو<sup>۲</sup> (۲۰۰۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان "سرمایه انسانی، ساختار تولید و رشد"، به بررسی این نکته پرداختند که آیا سطوح بالای سرمایه انسانی به وسیله تسهیل فناوری، سریع‌تر با رشد اقتصادی سازگاری پیدا می‌کند؟ اگر چنین است کشورهایی که از سرمایه انسانی بیشتری برخوردارند باید سریع‌تر با فناوری‌هایی که مهارت نیروی کار را اضافه می‌کند، سازگار شوند. تئوری‌های بین‌المللی به انباشت سرمایه انسانی به عنوان یکی از عوامل مهم رشد در صنایع سرمایه‌بر اشاره دارد و سیکونی و پاپیانو نیز برای صنایع سرمایه‌بر ایتالیا، اثرات مثبت معناداری از سطوح و حجم سرمایه انسانی بر تولید و رشد اشتغال پیدا کردند. آنها اثر سطوح سرمایه انسانی را بر روی رشد در صنایعی که به سرمایه انسانی حساس است، آزموده و دریافته‌اند که از لحاظ آماری رشد تولید در صنایعی که نسبت به آموزش کارکنان خود حساسیت زیادی نشان داده‌اند، بسیار بیشتر از صنایعی است که به سطوح و کیفیت آموزش کارکنان خود اهمیتی نمی‌دهند یا حداقل کمتر اهمیت می‌دهند.

راموس و دیگران<sup>۳</sup> (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای با عنوان «رشد اقتصادی منطقه‌ای و سرمایه انسانی»، به بررسی نقش آموزش‌های تکمیلی پرداختند. مطالعه آنها ارتباط بین سرمایه انسانی و رشد اقتصادی ناحیه‌ای را در اتحادیه اروپا با استفاده از شاخص‌های مختلف سرمایه انسانی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این تحقیق از آمارهای جزئی که در سرشماری بدست آمده استفاده شده است. آنها رشد تولید ناخالص داخلی سرانه را بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ بر روی سطح داخلی تولید ناخالص داخلی سرانه و متغیر سرمایه انسانی برای ۲۲۹ ناحیه اروپا، مورد ارزیابی قرار داده و دریافته‌اند که عملکرد اخیر اقتصادی در ناحیه اروپا، با افزایش در آموزش‌های تکمیلی ارتباط تنگاتنگی دارد. در واقع مقیاس‌های آموزش‌های تکمیلی عملکرد قوی‌تر و مرتبط‌تری از مقیاس‌های سنتی موجودی سرمایه در یک اقتصاد ناحیه‌ای دارد. نتایج آنها در یک چشم‌انداز سیاسی، به این نکته اشاره دارد که حتی وقتی کارگران ماهر برای پیدا کردن شغل مناسب ناتوان هستند، در سطح کل نسبت به همکاران غیرماهر خود، بیشتر سودآور می‌باشند.

برنزتین و همکاران<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) در مطالعه خود به آزمون تجربی نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فرآیند انتشار تکنولوژی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه پرداخته و به این نتیجه رسیدند که افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به افزایش رشد اقتصادی در کشور میزبان منجر می‌شود، اما این اثر به قدرت جذب کشور میزبان بستگی دارد که این را سرمایه‌انسانی موجود آن کشور تعیین می‌کند.

1. Slater and Ford
2. Antonio Ciccone and Elias Papaionnou
3. Ramos and et al
4. Borensztein, et al



آنها معتقدند اثرات سودمند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی توسط کارایی بالاتری است که این نوع سرمایه‌گذاری با تکنولوژی پیشرفته حاصل می‌شود نه فقط از طریق انباشت بیشتر سرمایه. همچنین آنها بیان می‌کنند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند از طریق انباشت سرمایه و انتقال تکنولوژی مناسب که به افزایش کارایی منجر می‌شود، رشد اقتصادی را شدت بخشد. آنها در مطالعه خود اثر مثبت اما نه چندان زیاد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بر سرمایه‌گذاری داخلی بدست آوردند. بنابراین از نظر آنها اثر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر سرمایه‌گذاری داخلی که خود مشوق بیشتر رشد اقتصادی است، اثر مستقیم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تلقی می‌شود. براساس نتایج، در صورتی که کشوری از سطوح سرمایه انسانی کمی برخوردار باشد، سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد اقتصادی آن کشور اندک و نزدیک به صفر است و با افزایش میزان سرمایه انسانی، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی شدیداً افزایش می‌یابد.

## ۲. مدل و نتایج تجربی

براساس مطالعه برنزتین و همکاران (۱۹۹۸) جهت بررسی تجربی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی از رابطه زیر استفاده شده است:

$$g = c_0 + c_1 FDI + c_2 FDI * H + c_3 H + c_4 Y_0 + c_5 A$$

در رابطه فوق  $g$  رشد تولید ناخالص داخلی سرانه،  $FDI$  سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی،  $H$  انباشت سرمایه انسانی،  $Y_0$  تولید ناخالص داخلی و  $A$  مجموعه‌ای از متغیرهای مؤثر بر رشد اقتصادی است. در این مدل نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تولید ناخالص داخلی مشابه کسر کالاهای تولید شده توسط بنگاه‌های خارجی بر کل کالاهای تولید شده در نظر گرفته شده است.

از این رو مجموعه کشورهای حوزه خلیج فارس را طی سال‌های ۲۰۱۱-۱۹۹۵ با استفاده از داده‌های بانک جهانی<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار می‌دهیم. داده‌های مورد استفاده در این مطالعه عبارتند از:  $H$  نرخ ثبت نام دوره متوسطه به عنوان پروکسی سرمایه انسانی،  $G$  مخارج مصرفی نهایی دولت (درصد از تولید ناخالص داخلی)،  $g$  رشد تولید ناخالص داخلی سرانه،  $FDI$  سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی (درصد از تولید ناخالص داخلی)،  $M$  پول و شبه پول (درصد از تولید ناخالص داخلی) و  $Initial\ GDP$  تولید ناخالص داخلی بر حسب دلار آمریکا (به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰).

## ۳. نتایج تخمین

در مطالعه حاضر این موضوع که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند به عنوان کانالی برای افزایش رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه عمل کند، مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین اثر متقابل سرمایه انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این مجموعه از کشورها آزمون می‌شود. بنابراین از روش هم انباشتگی پدرونی جهت برآورد مدل استفاده شده است. براساس نتایج این آزمون که در جداول

مربوط به هر مدل ارائه شده است، برآورد مدل با استفاده از روش اثرات ثابت صورت گرفته و نتایج جهت تحلیل ارائه شده است که مقادیر ضریب تعیین، آزمون F و آماره دوربین واتسون حاکی از اعتبار نتایج تخمین جهت تحلیل می‌باشد. نتایج جدول (۱) نشان دهنده آن است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور مستقیم اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله ایران دارد. بنابراین در این کشورها نیز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق انباشت سرمایه فیزیکی به‌صورت مستقیم به افزایش رشد اقتصادی منجر شده است. این موضوع حکایت از وجود محدودیت‌های سرمایه‌ای در این مجموعه از کشورها دارد. به‌طور مشابه در این مجموعه از کشورها نیز اثر متقابل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌انسانی منفی و معنادار است. بنابراین مطابق با گروه قبلی کشورها امکان افزایش بهره‌وری در این کشورها نیز به دلیل سطح پایین سرمایه انسانی و نیروی کار ماهر از طریق انتقال تکنولوژی‌های جدید و سرریزهای تکنولوژی وجود نداشته و این موضوع به عنوان عاملی بازدارنده در رشد اقتصادی این کشورها عمل می‌کند. براساس نتایج جدول (۱) اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس شامل ایران دارای ضریب مثبت و از لحاظ آماری معنادار است. بنابراین علامت این متغیر انتظارات تئوریک را برآورده می‌کند از آنجاکه این کشورها اکثراً دارای درآمدهای نفتی می‌باشند و امکان سرمایه‌گذاری بالا در بخش آموزش را فراهم می‌کنند بنابراین سطح سرمایه انسانی در این کشورها منجر به آن شده است که این متغیر اثر معناداری بر رشد اقتصادی داشته باشد. به‌طور مشابه در این مجموعه از کشورها نیز اثر درجه توسعه‌یافتگی آنها بر رشد اقتصادی آنها مثبت و از لحاظ آماری معنادار است.

جدول - ۱. برآورد مدل با استفاده از روش اثرات ثابت برای مجموعه کشورهای حوزه خلیج فارس

متغیرها	ضرایب	آماره‌های t
<b>Intercept</b>	-۱۴/۸۰۲۲۱	-۱/۲۹۳۵۷۹(۰.۱۹۸۴)
<b>Log(initial GDP)</b>	۰/۹۰۲۷۰۸	۲/۱۳۸۱۷۶ (۰.۰۳۴۶) *
<b>H</b>	۰/۰۴۰۶۰۹	۲/۶۴۴۷۴۲(۰.۰۰۹۳) *
<b>FDI</b>	۰/۳۳۷۹۳۱	۳/۹۱۴۴۱۱(۰.۰۰۰۲) *
<b>FDI*H</b>	-۰/۰۰۴۶۷۳	-۵/۲۵۴۱۸۹ (۰.۰۰۰۰) *
<b>G</b>	-۰/۲۲۱۳۰۶	۱/۲۵۰۱۳۱(۰.۲۱۳۷)
<b>M</b>	-۰/۰۵۵۷۶۲	۲/۴۴۶۳۴۶(۰.۰۱۵۹) *

R-squared: ۰/۴۰۵۳۱۷

Durbin-Watson stat:

۱/۷۵۵۰۹۱

F-statistic: (۰/۰۰۰)

۴/۴۳۰۱۹۲ \*

Hausman test: (۰/۰۰۰)

۴۴/۸۱۰\*

TotalObservations:

۱۳۶

اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده احتمال می‌باشند و \* نشانگر معناداری متغیرها در سطح اطمینان ۹۵٪ است.



مشاهده شده است که اثر متغیر مخارج نهایی دولت بر رشد اقتصادی در این گروه از کشورها منفی و از لحاظ آماری بی‌معناست. این موضوع می‌تواند از آنجا ناشی شده باشد که در این گروه از کشورها بهره‌وری بخش دولتی از بهره‌وری بخش خصوصی بالاتر است. هرچند این موضوع نمی‌تواند بیانگر کارایی بالای بخش دولتی در اقتصاد باشد بلکه می‌تواند از ناتوانی بخش خصوصی این گروه از کشورها حکایت داشته باشد.

همچنین اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی آنها نیز منفی و از لحاظ آماری بی‌معناست که حکایت از ظرفیت نهادی ضعیف در ساختار اقتصادی این کشورها دارد. عامل دیگری که می‌تواند سبب اثر منفی توسعه مالی بر رشد اقتصادی این کشورها شده باشد، انتقال منابع از سرمایه‌گذاری‌های مولد به سمت مصرف است که با وضعیت کشورهای در حال توسعه که با نبودن صنایع داخلی و نیز مصرف بالا روبرو هستند، همخوانی دارد.

در این قسمت آزمون‌های علیت کوتاه‌مدت و بلندمدت مورد بررسی قرار می‌گیرد. آزمون علیت بلندمدت به وسیله معناداری آماره  $t$  بر ضریب تصحیح خطا (ECM) مشخص می‌شود. آزمون علیت کوتاه‌مدت با آماره  $F$  در آزمون والد (Wald Test) بر روی تفاضل با وقفه متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رابطه کوتاه‌مدت به صورت زیر نشان داده می‌شود:

$$\Delta Y_{it} = \delta_{1j} + \sum_k \delta_{11ik} \Delta FDI_{it-k} + \sum_k \delta_{12ik} \Delta FDI * H_{it-k} + \sum_k \delta_{13ik} \Delta H_{it-k} + \sum_k \delta_{14ik} \Delta LGDP_{it-k} + \sum_k \delta_{15ik} \Delta M_{it-k} + \sum_k \delta_{16ik} \Delta G_{it-k} + \lambda_{1i} ECM_{t-1}$$

که در این رابطه  $\Delta$  نشان‌دهنده تفاضل متغیرها و  $ECM$  نشان دهنده جمله تصحیح خطا و  $k$  نیز بیانگر طول وقفه متغیرها می‌باشد. نتایج برآورد به صورت زیر است:

## جدول ۲- نتایج علیت کوتاه‌مدت و بلندمدت وابسته برای کشورهای حوزه خلیج فارس

متغیر	$\Delta FDI$	$\Delta FDI * H$	$\Delta H$	$\Delta LGDP$	$\Delta M$	$\Delta G$	$ECM_{t-1}$
آماره	F=۱/۹۱۸	F=۰/۹۱۳	F=۲/۸۷۳	F=۱/۸۹۸	F=۱/۸۹۸	F=۰/۶۱۳	-۰/۱۲
F	(۰/۰۰۴)	(۰/۴۰۲)	(۰/۰۰۹)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۶۷)	(۰/۵۸۹)	- (۶/۰۶)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در این مدل یک رابطه علیت بلندمدت از سمت متغیرهای سمت راست به سمت متغیر  $\Delta Y$  برای کشورهای حوزه خلیج فارس وجود دارد که این علیت از طریق آماره  $t$  و معناداری آن بر ضریب تصحیح خطا مشخص شده است. ضریب تصحیح خطا برای این کشورها برابر ۰/۱۲ و دارای علامت منفی و بین صفر تا ۱ است. همچنین این ضریب نشان‌دهنده سرعت تعدیل متوسط به سمت تعادل بلندمدت را نشان می‌دهد و بیان می‌کند که در هر سال ۰/۱۲ از عدم تعادل یک دوره در  $\Delta Y$  در دوره بعد تعدیل می‌شود.

همچنین براساس آزمون والد بر روی ضرایب با وقفه متغیرها، نتایج نشان می‌دهد که یک رابطه علیت کوتاه‌مدت از  $\Delta FDI$  و  $\Delta H$  و  $\Delta LGDP$  به سمت  $\Delta Y$  وجود دارد که از طریق معناداری آماره F مشخص شده است و این ۳ متغیر در کوتاه‌مدت می‌توانند تأثیرگذار باشند.

#### ۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتایج برآورد الگوی رشد برای دو مجموعه کشورهای حوزه خلیج فارس و از جمله ایران نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مستقیم بر رشد اقتصادی آنها داشته، که این اثر از طریق افزایش انباشت سرمایه فیزیکی رخ می‌دهد. همچنین اثر متقابل سرمایه‌انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی کشورها اثر منفی و از لحاظ آماری معنادار است. به عبارت دیگر، با توجه به سطح پایین سرمایه‌انسانی در این مجموعه از کشورها امکان انتقال تکنولوژی از طریق سرمایه‌گذاری خارجی وجود نداشته و این امر مانع از افزایش بهره‌وری و نیز بهره‌مندی از سرریزهای تکنولوژی می‌شود، که عاملی بازدارنده در برابر رشد اقتصادی این کشورهاست.

هر چند در کشورهای حوزه خلیج فارس اثر سرمایه‌انسانی بر رشد اقتصادی مثبت بوده است که نشان‌دهنده سطح حداقلی از سرمایه‌انسانی موجود در این کشورها است اما به دلیل آنکه سرمایه‌انسانی موجود در این کشورها با سطح سرمایه‌انسانی کشورهای پیشرفته و دانش موجود در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارای شکاف می‌باشد امکان جذب سرریزهای دانش در این مجموعه از کشورها نیز فراهم نمی‌باشد.

بنابراین نتایج نشان می‌دهد توسعه اقتصادی کشورها اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی آنها داشته است و بزرگ‌تر شدن اقتصاد و اندازه بازار می‌تواند به عنوان محرک رشد اقتصادی در این کشورها مطرح باشد. در خصوص اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در مجموعه کشورها مشاهده شده است که توسعه مالی نه تنها عاملی مؤثر در افزایش رشد اقتصادی آنها نبوده است، بلکه به عاملی بازدارنده در فرآیند رشد اقتصادی این کشورها تبدیل شده است، این موضوع را می‌توان به نهادهای ضعیف در این کشورها نسبت داد که به ناکارایی فراگیر در مکانیزم تخصیص اعتبارات منجر شده و عاملی بازدارنده برای رشد اقتصادی این کشورهاست که با وضع قوانین قوی در بخش مالی و نظارت بر سیستم بانکداری، موجبات افزایش کارایی بخش مالی را فراهم می‌شود. با افزایش ثبات اقتصادی از طریق سیاست و نیز کاهش ناطمینانی سیاسی و برنامه‌ریزی جهت انتقال نقدینگی از مصرف به سرمایه‌گذاری‌های مولد شاید اثر مثبت توسعه مالی بر رشد اقتصادی را فراهم کرد.



منابع

داوودی، پرویز و شاهمرادی، اکبر (۱۳۸۳). «بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۰، صص ۸۱-۱۱۳.

طیپی، سیدکمیل، آذربایجانی، کریم و بابکی، روح‌الله (۱۳۸۷). «اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت خارجی کشورهای منتخب آسیایی و اقیانوسیه»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، جلد: ۳۱، شماره ۳: صص ۱۲۹-۱۵۰.

Borensztein. E. De Gregorio, J. Lee, J.-W. (1998), "How does foreign direct investment affect economic growth?", Journal of International Economics, Vol. 45(1), pp115-135.

Ciccone , A. and Papaionnou, E. (2006). "Human Capital , The Structure of production and Growth" , Working paper series, No 623.

Findlay,R.(1978). "Relative Backwardness. Foreign Direct Investment,and transfer of technology:A simple Dynamic model" The auarterly journal of Economics, vol pp.92,No.1: 1-16.

Ford,J. and Slater,J. (2001). "FDI,Regional Economics integration and Endogenous Growth,Some Evidence From South east Asia",Pacific Economic Review6(3): 383-399.

Grossman, G., Helpman, E.(1991) "Innovation and Growth in the Global Economy", MIT PressCambridge, MA.

Ramos, R., Surinach, J. and Artis, M. (2009) "Regional Economic Growth and Human Capital : The Role of overeducation" , IZA DPNO, 4453

Sawada,N.(2004). "Technology Transfer,spillover and Growth through FDI in Developing countries:An Endogenous Growth Approach" .Discussion paper,the university of Hawaii-Manoa,USA.

Shi,Vizheng(2001). "Technolgogical Capabilities and International Production Strategy of firms: The case of FDI in China", Journal of world Business, Vol. 36, Issue 2 pp. 184-204.

UNCTAD (2001) beyond 20/21 maps cd-Rom,Vol.5.3

**The role of human capital in the efficacy of FDI on economic growth in the countries of the Persian Gulf**

*E.Negahdari*

**Received:** 26 December 2013

**Accepted:** 4 May 2014

Investment fundamental and inseparable part of the economy that appear to both domestic and foreign . This study examines the effect of FDI on economic growth in the Persian Gulf states and Iran, has been studied during 2011-1995. The results indicate that foreign direct investment through increased physical capital on economic growth has had a significant positive effect. Interaction between human capital and FDI on economic growth and the negative effect is statistically significant in other words, given the low level of human capital. n this set of countries there is no possibility of technology transfer through foreign investment This prevents increased productivity and technology spillovers will benefit from the deterrent to economic growth in this category of countries.

**JEL classification** *I20, J40, O40.*

**Keywords:** *Human capital, foreign direct investment, economic growth*